

قواعد و ضوابط وضع عوارض ضدقیمت‌شکنی در سازمان جهانی تجارت

میرعبدالله حسینی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تابش نیوز

اقتصاددانان در میان عوامل و انگیزه‌های متعدد وقوع قیمت‌شکنی، غالب آنها را عقلایی و حتی رقابتی تلقی می‌کنند که می‌توانند با افزایش رفاه مصرف‌کنندگان بر رفاه عمومی جامعه نیز بیفزایند. آنان غالباً تنها مقابله با قیمت‌شکنی مخرب (Predatory Dumping) را که با هدف خارج ساختن رقبا و تسخیر بازار خارجی و آنگاه قیمت‌گذاری انحصارگرانه صورت می‌گیرد تجویز می‌کنند. اما رویه‌های بین‌المللی، به مقابله با این نوع قیمت‌شکنی که بالنسبه نادر است، محدود نمی‌شود و هر نوع تبعیض قیمتی بین‌المللی را در بر می‌گیرد. با این وجود، شاید بتوان گفت هیچ پدیده‌ای در تجارت بین‌الملل همچون قیمت‌شکنی مناقشه‌انگیز و دستمایه حمایت نبوده است.

با این حال تا آغاز دور مذاکرات کندی در سال ۱۹۶۳، تدوین مقررات جامع‌تر بین‌المللی در این خصوص مورد توجه جدی قرار نگرفت اما مقارن آغاز دورکندی، نگرانی‌های جدی نسبت به قانون ضد قیمت‌شکنی آمریکا و نحوه اعمال آن ابراز گردید و به دنبال آن مذاکرات در این خصوص آغاز شد و به‌رغم پاره‌ای مخالفت‌ها، در سال ۱۹۶۸ مجموعه مقرراتی برای مقابله با قیمت‌شکنی به تصویب رسید ((GATT AD Code of 1968, Plurilateral Agreement)) و به‌دنبال آن تجدیدنظرهای عمده‌ای در قوانین ملی جامعه اروپا و کانادا صورت گرفت. اما کنگره آمریکا با این مقررات مخالفت کرد و آمریکا از امضای مجموعه مقررات ضدقیمت‌شکنی دورکندی خودداری کرد و از این‌رو این مقررات چندطرفه اهمیت عملی اندکی یافت.

مقارن آغاز دور توکیو در سال ۱۹۷۳، مسائلی در خصوص اجرای مقررات ضدقیمت‌شکنی دور کندی از جمله در مواردی چون محاسبه قیمت بازار داخلی، مقایسه قیمت‌های صادراتی و داخلی، تعیین مهم‌بودن لطمه و نیز مساله سمت شاکیان طرح گردید و مذاکرات دور توکیو به تجدید نظر در مقررات پیشین انجامید و آنگاه مجموعه مقررات ضدقیمت‌شکنی دور توکیو از سال ۱۹۸۰ به‌اجرا درآمد. این مقررات که در بردارنده رهنمودهای بیشتری در خصوص تعیین قیمت‌شکنی و لطمه بود و به‌علاوه جزئیات مسایل رویه‌ای حاکم بر تحقیقات را شامل می‌شد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای به‌شمار می‌رفت. اما، با این وجود، هنوز این مقررات چیزی فراتر از یک چارچوب کلی برای کشورها در انجام تحقیقات و وضع

عوارض نبود و نقاط ابهام متعددی در موضوعات مناقشه انگیز وجود داشت و به علاوه از آنجا که یک موافقت‌نامه چند طرفه (Plurilateral) محسوب می‌شد، تنها ۲۷ کشور طرف متعاهد گات (از جمله امریکا) به الزامات آن متعهد بودند.

در مذاکرات دور اروگوئه (۹۳-۱۹۸۶)، مقررات ضد قیمت‌شکنی به یکی از موضوعات اصلی بدل گردید و عدم توافق موجود میان کشورها در خصوص اصلاح مقررات ضد قیمت‌شکنی، موفقیت دور اروگوئه را مورد تهدید قرار داد. اما سرانجام موافقت‌نامه جدیدی به دست آمد که با آغاز به کار سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ به مرحله اجرا درآمد. این موافقت‌نامه چندجانبه که برای تمامی اعضای سازمان الزامی می‌باشد جایگزین مقررات چندطرفه دور توکیو گردید.

قواعد، رویه‌ها، معیارها و ضوابط وضع عوارض ضد قیمت‌شکنی در سازمان جهانی تجارت

موضوع	قواعد، رویه‌ها، معیارها و ضوابط
دو نوع رویه تجاری ناعادلانه در کالاهای صادراتی	(۱) منتفع از یارانه منجر به رقابت ناعادلانه، (۲) قیمت‌شکنی شده مختل رقابت
واردات قیمت‌شکنی شده	اصطلاحاً، به طور معمول تمامی واردات زیر قیمت
فرض بر این است که محصول دامپ شده (قیمت‌شکنی شده)، محصولی است که	(۱) قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت‌اخذ شده برای همان محصول در کشور صادرکننده باشد. (۲) یا کالایی به قیمتی کمتر از هزینه تولیدشده، فروخته‌شود، (۳) قیمت قابل‌مقایسه‌ای که برای همان محصول هنگام صادرات به کشور ثالث اخذ می‌شود. (۴) یا بهای فرضی که براساس هزینه تولید کالای وارداتی با اضافه هزینه‌های عمومی، فروش و ادرای و سود، محاسبه می‌شود.
موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و اقدامات جبرانی (ADM، SCM، و SM)	اجازه (۱) وضع عوارض ضد قیمت‌شکنی بر واردات دامپ‌شده، (۲) اتخاذ اقدامات حفاظتی برای دوره‌های موقت برای تعیین واردات و (۳) وضع عوارض جبرانی بر ورود کالاهایی که از رویه‌های ناعادلانه سود می‌برند، داده است.
کشور واردکننده تنها در صورتی می‌تواند بر واردات دامپ‌شده عوارض ضد قیمت‌شکنی وضع نماید	که بر اساس انجام تحقیقاتی احراز شود که این قبیل واردات، موجب ایراد لطمه مادی و جدی (Serious & Material Injury) به صنعت داخلی شده است.

تحقیقات برای وضع این قبیل عوارض، معمولاً باید بر اساس شکایتی صورت گیرد که	توسط صنعتی که مدعی است واردات به وی لطمه زده، مطرح شود.
قواعد و رویه‌های اصلی موافقت‌نامه در وضع عوارض: لطمه به صنعت داخلی: براساس تحقیقات احراز شود	که: (۱) افزایش قابل ملاحظه در واردات دامپ شده به طور مطلق یا نسبت به تولید یا مصرف، (۲) قیمت محصول داخلی را کاهش داده و با رکود مواجه کند. (۳) وارد شدن لطمه به صنعت داخلی و (۴) خطر ایراد لطمه به صنعت داخلی.
برای وضع عوارض، باید صراحتاً احراز شود که رابطه علیّی	میان واردات دامپ شده و لطمه به صنعت داخلی (مجموع تولید آنها سهم عمده‌ای از کل تولید داخلی صنعت را تشکیل دهد) وجود دارد. ^۱
عوامل دخیل در تشخیص لطمه مهم به صنعت داخلی، عبارتست از عوامل اقتصادی که:	(۱) کاهش واقعی یا بالقوه در تولید، فروش، سهم بازار، سود، بهره‌وری، برگشت سرمایه‌گذاریها یا استفاده از ظرفیت، (۲) تاثیر بر قیمت داخلی و (۳) اثر واقعی یا بالقوه بر جریان نقدی، موجودی، اشتغال، دستمزد، رشد، توانایی افزایش سرمایه‌گذاریها).
تجمع واردات ^۲ : در برخی موقعیتها آثار ترکیبی تمامی واردات تحت تحقیق برای تشخیص لطمه مجاز است که	(۱) حاشیه دامپینگ هر کشور از حد قابل اغماض تجاوز نماید. (۲) مقدار واردات از هر کشور جزئی نباشد. (۳) شرایط رقابت میان محصولات وارداتی و داخلی ایجاب نماید.
سمت شاکیان: تحقیقات تنها باید براساس شکایتی باشد که توسط صنعت داخلی ^۳ صورت گرفته است که	(۱) تولیدکنندگان متقاضی بررسی بیش از ۵۰٪ تولید تولیدکنندگان را در اختیار داشته و (۲) تولیدکنندگان متقاضی دستکم ۲۵٪ کل تولید صنعت را در اختیار داشته باشند.
قواعد / روش‌ها / مقامات مسئول تحقیق که موافقت‌نامه برای وضع عوارض جبرانی مقرر می‌دارد،	برای تمام کشورها در سطح ملی در اکثر موارد یکسان و مشابه هستند

^۱ در مواردی که مشکلات صنعت ناشی از عواملی نظیر کاهش تقاضا یا تغییرات در الگوی مصرف، رویه‌های محدودکننده تجارت، رقابت میان تولیدکنندگان خارجی و داخلی، تحولات در تکنولوژی و عملکرد صادراتی و بهره‌وری صنعت داخلی باشد و نتوان آن را مستقیماً به واردات دامپ شده نسبت داد، عوارض ضدقیمت‌شکنی نباید وضع شود. همین‌طور، اگر افزایش واردات تاثیر سوء بر تعداد اندکی از تولیدکنندگان دارد، این قبیل عوارض نباید وضع شود.

^۲ قاعده‌تاً هنگامی که واردات از چندین کشور مشمول تحقیق قرار می‌گیرند، ارزیابی این که چنین وارداتی موجب وارد آمدن لطمه به صنعت داخلی است، باید برای هر کشور جداگانه انجام شود.

^۳ دولت کشور واردکننده می‌تواند برای وضع عوارض ضدقیمت‌شکنی، تنها در اوضاع و احوال استثنایی، خود راساً اقامه دعوا نماید.

